



Feasibility of Affinity Sanctity after Rape

Mohammad Hassani: Ph.D. candidate of Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mohamadhassani082@gmail.com

Hassan Shahmalekpour: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

h.shahmalekpour@guilan.ac.ir

Abstract

Marriage affinity is a bond between one of the spouses and the relatives of the other spouse, which causes the prohibition of sexual relation between them. Most jurists, in addition to legal sexual intercourse, have also included unlawful intercourse among acts that undergo the related sanctity. In this regard, adultery can, under certain conditions, lead to the permanent affinity-related prohibitions for the parties involved and can also result in the prohibition of marriage with their relatives. The main objective of this study is to address two questions: Does coerced or forced adultery, like consensual adultery, lead to the prohibition of marriage? Does the *hadith* of exemption (*raf'*) remove the permanent prohibition? The present research is theoretical, employing a descriptive and analytical method, with data collected through library research. The findings of this study indicate that coerced adultery does not lead to the prohibition of marriage, as the *hadith* of exemption is not limited to obligatory rulings and it includes substantive laws as well.

Keywords

Marriage Affinity, Prohibition, Adultery, Rape, Duress.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



امکان سنجی تحریم مصاهرتی در زناى به عنف

محمد حسنی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول). Mohamadhassani082@gmail.com

حسن شاه ملک پور: استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. h.shahmalekpour@guilan.ac.ir

چکیده

مصاهرت پیوندی میان یکی از دو زوج با خویشاوندان زوج دیگر است که سبب می‌شود خویشاوندان بر یکدیگر حرام شوند. مشهور فقها افزون‌بر وطی شرعی، وطی غیرشرعی را نیز در زمره تحریم مصاهرتی آورده‌اند. از این حیث، زنا هم می‌تواند با وجود شرایطی منجر به حرمت ابدی طرفین و هم می‌تواند منجر به حرمت مصاهرت با اقارب شود. هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این دو پرسش است که آیا زناى به عنف و اکراه مانند زناى مطاوعی منجر به حرمت مصاهرت می‌شود یا خیر؟ آیا حدیث رفع حرمت ابدی را برمی‌دارد؟ پژوهش حاضر از نوع نظری و روش تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات این تحقیق نیز به روش کتابخانه‌ای است. یافته‌های این تحقیق بیان می‌کند که زناى اکراهی منجر به تحریم مصاهرتی نمی‌شود؛ زیرا حدیث رفع منحصر به احکام تکلیفی نیست و احکام وضعی نیز به واسطه حدیث رفع مرتفع می‌شود.

واژگان کلیدی

مصاهرت، حرمت، زنا، عنف، اکراه.

مقدمه

غریزه جنسی یکی از نعمت‌های الهی و دین مبین اسلام به این موضوع توجه ویژه داشته است و انسان را به ازدواج تشویق می‌کند. (گوهری و جهانگیری، ۱۴۰۲، ص. ۲۲۰؛ نور/۳۲). با توجه به اهمیت ازدواج در اسلام و توجه فقه اسلامی به ابعاد گوناگون آن، بررسی احکام و آثار نکاح جایگاه ویژه‌ای دارد که یکی از مباحث بسیار مهم آن، موانع نکاح است که در اصطلاح فقهی سه عامل مهم دارد: نسب، رضاع و مصاهرت (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص. ۱۹۸؛ حلی (علامه)، بی تا، ج ۲، صص. ۶۱۴-۶۱۳). آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد، حرمت ناشی از مصاهرت است. مصاهرت در واقع پیوندی میان یکی از دو زوج با خویشاوندان زوج دیگر است که باعث می‌شود ازدواج با آن خویشاوندان حرام شود؛ عیناً (حرمت ابدی) یا جمعاً (جمع بین‌الاختین) (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص. ۷). بنابراین، در اینکه خویشاوندی و پیوند منجر به حرمت نکاح با اقارب می‌شود، بحثی نیست. در ادامه، مسئله دیگری که فقها مطرح کرده‌اند، این است که آیا وقوع زنا نیز در نشر حرمت سببی (بالمصاهره) مؤثر است یا نه؟ به عبارت دیگر، اگر فردی با زنی زنا کند آیا ازدواج با مادر و دختر آن زن و نیز ازدواج آن زن (مزنی‌بها) با پدر یا پسر زناکار حرام ابدی می‌شود؟ بسیاری از فقهای متقدم و متأخر، زنا را موجب نشر حرمت بالمصاهره می‌دانند (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۳۱۰؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۸۶؛ ابن حمزه، ۱۴۱۸ق، ص. ۲۹۲؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۳۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۸۸؛ صدوق (شیخ)، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص. ۴۱۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص. ۲۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۲۸۶؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۱۴۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص. ۱۷۱؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی تا، ج ۵، ص. ۱۸۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۱۳۲؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص. ۱۷۷)، اما آنچه در این پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد، نه تأثیر خویشاوندی و نه تأثیر زناى مطاوعی در حرمت نکاح است. در واقع، این موضوعات توسط پژوهشگران دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، بلکه چالش اصلی و در واقع موضوع محوری این تحقیق آن است که آیا زناى به عنف نیز مانند زناى مطاوعی منجر به تحریم مصاهرتی می‌شود یا خیر؟ فرضیه مقاله حاضر این است که عمل شنیع زناى به عنف تحریم مصاهرتی را به دنبال ندارد.

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه پژوهش باید خاطر نشان کرد که موضوع این مقاله در پژوهش‌های پیشین به‌طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است، اما مقالاتی مرتبط در این زمینه نگارش شده‌اند. برای مثال، مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به دیدگاه فقهای مذاهب خمس پیرامون اثر زنا و لواط بر حرمت مصاهرت» (هاشمی خانعباسی و آقایی، ۱۴۰۰)؛ نگارش شده است که آثار زنا و لواط مطاوعی (با رضایت طرفین) بر حرمت مصاهرت را مورد بررسی قرار داده است، اما باید یادآور شد که در این مقاله تنها زنا و لواط مطاوعی مورد بحث قرار گرفته در حالی که محور اصلی در مقاله پیش رو، زنا به عنف و اکراه و بررسی و تحلیل حدیث رفع در خصوص امکان سنجی تحریم مصاهرتی در زنا به عنف است. افزون‌براینکه در مقاله پیش گفته، مبحث حرمت ابدی میان طرفین رابطه (زانی و زانیه) مورد توجه قرار نگرفته، بلکه تنها آثار زنا بر حرمت ازدواج با اقارب بررسی شده است.

همچنین، در مقاله دیگری با عنوان «حکم ازدواج پسر و پدر زانی با زانیه از نگاه مذاهب خمس» (گوهری و جهانگیری، ۱۴۰۲)، حرمت ازدواج پدر و پسری با زانیه مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، محور این تحقیق آن است که اگر پسری با زنی زنا کرد، آیا پدر می‌تواند با این زن ازدواج کند یا خیر.

گفتنی است جستار حاضر ضمن تبیین مفهوم مصاهرت و زنا به عنف، به نقد و بررسی فتاوی فقها در رابطه با اثر حرمت مصاهرتی در زنا به عنف پرداخته و در نهایت، واکاوی حدیث رفع را به‌عنوان دلیل مستقل در دستور کار خود قرار داده است تا از رهگذر نقد و بررسی فتاوی فقها در رابطه با نشر حرمت در زنا به عنف و نیز بررسی دلالتی حدیث رفع و شمولیت آن، به مسئله اصلی پژوهش پاسخ دهد.

۲. مفهوم‌شناسی مصاهرت

۲-۱. مفهوم لغوی

واژه «صهر» در زبان عربی به معنای خویشاوندی از طریق ازدواج است. خانواده زن را «اصهار» و خانواده مرد را «ااختان» می‌نامند، اما برخی عرب‌ها هر دو گروه را «صهر» می‌دانند. فعل «صاهر» به معنای وصلت و ازدواج با یک قوم است و «مصاهره» نیز به

معنای پیوند خویشاوندی از راه ازدواج است؛ البته ابن سیده گفته است «گاهی با واژه "صَهْرٌ" به‌طور کنایه‌ای به "قبر" اشاره می‌کردند؛ زیرا در زمان جاهلیت، عرب‌ها دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند و آنان را دفن می‌کردند. پس می‌گفتند دخترانمان را به قبر شوهر دادیم (ازدواج دادیم). سپس این واژه در دوران اسلام نیز به کار برده شد، اما با معنایی متفاوت» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۴۷۱). واژه صهر و دامادی به‌وضوح در آیه ۵۴ سوره مبارکه فرقان آمده است که بیان می‌دارد «خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا»؛ او کسی است که (از قطره‌ای) آب، بشر را آفرید و تکثیر آن را به‌صورت دو نوع پیوند فرزندی و دامادی قرار داد.

۲-۲. مفهوم اصطلاحی

مصاهرت یکی از اسباب حرمت نکاح است که چهار طبقه را که عمودین نام دارد، حرام می‌کند؛ یعنی مادر این زن «هر چقدر بالاتر رود» و دختر این زن «هر چقدر پایین‌تر رود»، بر این مرد حرام می‌شود. همچنین، پدر این مرد «هر چقدر بالاتر رود» و پسر این مرد «هر چقدر پایین‌تر رود»، بر این زن حرام می‌شود (سرور، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص. ۲۳۴). برخی از محققان مصاهرت را این‌گونه تعریف می‌کنند که «دامادی پیوندی است بین زن و مرد که با برقراری این پیوند عاطفی، ازدواج با بستگان طرفین حرام می‌شود» (مغنیه، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۹). امام خمینی (رحمت‌الله علیه) نیز مصاهرت را چنین تعریف می‌کند «المصاهرة هی علاقة بین احد الزوجین مع اقرباء الآخر موجبة لحرمة النکاح عیناً أو جمعاً علی تفصیل یأتی»^۱ (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف، ج ۲، ص. ۲۹۷). به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی فقها بیان داشته‌اند، منظور امام (رحمت‌الله) از ملحقات به مصاهره که یکی از فصول کتاب تحریرالوسیله را به این بخش اختصاص داده است، اموری است که شکل نکاح را ندارد، اما خاصیت نکاح را به لحاظ حرمت مصاهرت داراست از قبیل وطی به شبهه و زنا (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص. ۱۱۶).

لازم است برای آماده‌سازی ذهن مخاطب، مفهوم و منظور از تحریم مصاهرتی در زناى مطاوعی بیان شود و سپس بحث اصلی پژوهش مطرح شود.

ابتدا باید خاطر نشان کرد که اگر زنا پیش از عقد صورت گیرد، غالب فقهای امامیه قائل بر این هستند که حکم نکاح صحیح را دارد. بنابراین، اگر فردی با زنی نزدیکی

کند، مادر و دختر این زن بر مرد حرام می‌شود (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص. ۲۸۶؛ ابن حمزه، ۱۴۱۸، ص. ۲۹۲؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ص. ۳۳۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۱۸۸؛ صدوق (شیخ)، ۱۴۰۴، ج ۳، ص. ۴۱۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳، ج ۷، ص. ۲۷؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۸۲)، اما اگر همسر شخصی با یکی از اقارب او زنا کند (برای مثال، بعد از عقد، پدرشوهر با عروس زنا کند)، در این صورت حرمتی میان زن و مرد ایجاد نمی‌شود، به این دلیل که زنا بعد از عقد اثری در بطلان و حرمت عقد نکاح سابق ندارد (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۰، ص. ۴۵؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص. ۲۸۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۱۸۸؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ص. ۳۳۷؛ شهید اول، ۱۴۳۰، ص. ۱۶۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص. ۲۸۷؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۸۲). قائلان به این قول به قاعده «لا یحرم الحرام الحلال» و نیز به روایات کثیری در این باره استناد کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص. ۴۲۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۴۱۵).

نکته دیگر اینکه، زنا افزون‌بر نشر حرمت ابدی با اقارب، بعضاً باعث می‌شود که زانی و زانیه تا ابد نتوانند با یکدیگر ازدواج کنند مانند زنا با زن شوهردار و زنا با زن معتده رجعیه (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۰، ص. ۴۵۲؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص. ۲۸۶؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۲۳۶؛ مفید (شیخ)، ۱۴۱۳، ص. ۵۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص. ۲۰۷؛ اراکی، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۵). به عبارت بهتر، منظور از حرام ابدی این است که اگر شوهر آن زن فوت کند یا زن را طلاق دهد، زانی حق ازدواج با زانیه را نخواهد داشت. از این‌رو بنا بر عقیده برخی فقها، ازدواج با زانی که دیگری (نه خود او) با وی زنا کرده، مکروه است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۲، ص. ۲۵۶) و ازدواج زانی با زانیه نیز دو صورت دارد. اول اینکه، زانیه دارای همسر باشد که در این صورت بر وی حرام ابدی می‌شود. دوم اینکه، دارای همسر نباشد که در این صورت ازدواج با وی صحیح است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۲، ص. ۲۵۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ب، ج ۹، ص. ۱۵۱). بنابراین، مشهور فقها خاطر نشان می‌کنند که زنا با زن منجر به تحریم مصاهرتی نمی‌شود مگر اینکه زن به عقد دائم یا موقت، دارای شوهر باشد (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص. ۲۸۶؛ مفید (شیخ)، ۱۴۱۳، ص. ۵۰۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص. ۳۱۴؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ص. ۲۶۴؛ طباطبایی،

۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص. ۲۰۷؛ طوسی (شیخ)، ۱۳۶۵، ج ۷، ص. ۳۰۵؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی تا، ج ۵، ص. ۲۰۲؛ نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۹، ص. ۴۳۴). استدلال فقهای امامیه بر عدم حرمت ابدی نکاح بعد از زنا با زن غیرشوهردار و زنی که در عده رجعیه به سر نمی‌برد، «اصل حلیت» و «روایت» است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۳۱۴؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی تا، ج ۵، ص. ۲۰۱).

بنابراین، از آنجاکه عمل شنیع زنا طبق قول مشهور، جزو توابع اسباب حرمت مصاهرتی است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص. ۴۲۴)، دو موضوع مشابه یعنی آثار زناى اکراهی بر اقارب و آثار زناى اکراهی بر طرفین رابطه، ذیل بخش «آثار حرمت مصاهرتی در زناى اکراهی» در مقاله حاضر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۳. مفهوم زناى به عنف

زنا در اصطلاح شرع عبارت است از دخول آلت تناسلی مرد در فرج زن به مقدار ختنه‌گاه یا بیشتر بدون آنکه بین آن دو عقد ازدواجی واقع شده باشد یا مرد مالک زن باشد یا شبهه عقد یا ملک وجود داشته باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص. ۲۹۲). عنف در لغت به معنای مدارا نکردن، شدت، خشونت و استفاده از زور در عمل است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص. ۲۵۷). در اصطلاح، عنف به رفتاری اشاره دارد که با خشونت، آزار و اعمال زور انجام می‌شود و عمدتاً در حالتی صورت می‌گیرد که اراده قربانی نادیده گرفته شود و به‌رغم مقاومت فرد، به ضرر او عمل می‌شود (برهانی و دادجو، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۶). گفتنی است واژه عنف بیشتر در متون حقوقی به کار رفته است تا متون فقهی. به عبارت بهتر، عنوان عنف در کلام فقهای متقدم به کار نرفته است و فقها بیشتر عنوان «غصب» را استعمال کرده‌اند. به همین منظور، زناى به عنف نیز در روایات تحت عنوان «غصب امرأة فرجها» مطرح شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، صص. ۱۰۸-۱۰۹)؛ البته برخی فقهای شیعه از تعبیر زناى به عنف و اکراه نیز استفاده کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۵). زناى به عنف یکی از شدیدترین و رایج‌ترین جرائم جنسی به شمار می‌رود که در آن مردی به عنف و اکراه و بدون رضایت زن به او تجاوز می‌کند. در رابطه با تعریف اکراه، فقها خاطر نشان کرده‌اند که اکراه عبارت است از «واداشتن دیگری به کاری که بدان مایل نیست

در صورتی که همراه با تهدید باشد، به طوری که اگر آن فعل مکروه را ترک کند و انجام ندهد، به جان خودش یا اطرافیان و نزدیکان یا آبرو یا مالش ضرر وارد آید» (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۴۴۹). سرخسی فقیه اهل سنت، اکراه را این گونه تعریف می کند که «اکراه تهدیدی است که فردی نسبت به دیگری روا می دارد تا با این کار رضایت او را منتفی یا اختیارش را سلب کند بدون اینکه اهلیت کار یا خطاب را از او بگیرد» (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص. ۳۸). نگارش ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی^۲ در نگاه نخست به گونه ای به نظر می رسد که شخص ثالث دیگری را تهدید به عمل مجرمانه با یک شخص خاص می کند (مثل اینکه «الف»، «ب» را تهدید می کند که یک گلوله به «ج» شلیک کند)، اما آنچه از استفتائات فقها از جمله فقهای معاصر برداشت می شود، این است که فقها لزوماً اکراه کننده را شخص ثالث نمی دانند، بلکه زنا ی به عنف در لسان فقها تحت عنوان زنا ی به اجبار و اکراه یا به عنف و اکراه مطرح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص. ۵۰۳). به همین منظور، قانون گذار در بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی^۳، احکام زنا ی به عنف و اکراه را در یک راستا و در معنای واحد در نظر گرفته است.

۴. آثار حرمت مصاهرتی در زنا ی اکراهی

منظور از حرمت مصاهرتی در این پژوهش، تبیین دو مسئله فقهی و حقوقی مهم است؛ یعنی حرمت مصاهرتی با اقارب و حرمت ابدی میان زانی و زانیه. منظور از نوع اول حرمت، این است که زنا باعث می شود زانی نتواند با اقارب زانیه ازدواج کند و منظور از نوع دوم، آن است که گاه زنا به گونه ای رقم می خورد که زانی و زانیه بر یکدیگر حرام ابدی می شوند. این حالت زمانی اتفاق می افتد که زن در حین وقوع زنا، شوهردار باشد، اما مسئله و چالشی که وجود دارد این است که آیا اکراهی بودن زنا می تواند صورت مسئله را عوض کند و منجر به این شود که حرمت مصاهرتی شکل نگیرد؟ برای پاسخ به این مسئله ابتدا لازم است دیدگاه فقها در رابطه با اثر حرمت مصاهرتی در زنا ی اکراهی برجسته شود. در نهایت، با واکاوی حدیث رفع به عنوان یک دلیل مستقل، موضع فقهایی که به استناد حدیث رفع، قائل بر رفع جمیع آثار (از جمله تحریم مصاهرتی) یا صرفاً عقاب و مؤاخذه هستند، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴-۱. آثار زناى اكراهى نسبت به طرفين زنا (ايجاد حرمت ابدى)

برای فهم بهتر این موضوع لازم است دو دیدگاه موافق و مخالف با ایجاد حرمت ابدی که ناشی از زنا با زن شوهردار است، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴-۱-۱. دیدگاه موافق با ایجاد حرمت ابدی

در زنا با زن شوهردار، برخی قائل به این موضوع‌اند که اگر زن به زنا اکراه شود، حکم حرمت ابدی جاری می‌شود و در رابطه با اکراه مرد خاطر نشان کرده‌اند که حکم ظاهری، بیان‌کننده تسری آن به مرد است، اما در نهایت، این نظر را خالی از اشکال ندانسته‌اند (موسوی سبزواری، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص. ۱۱۴؛ اشتهااردی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۹، صص. ۲۶۲-۲۵۹، موسوی اردبیلی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص. ۵۷۴؛ گلپایگانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص. ۱۸۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف، ج ۲، ص. ۳۰۲). در عروة‌الوثقی، نویسنده ایجاد حرمت ابدی را بعید ندانسته، اما معتقد است این نظر خالی از اشکال نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۸۲۴). از چند جهت می‌توان اشکال محقق یزدی را توجیه کرد. نخست اینکه، گفته شود اجماع فقها در حرمت ابدی در بحث مزبور (یعنی زنا با زن شوهردار) منصرف می‌شود به زناى حرامی که موجب عقوبت و مجازات است و چون در فرض زناى به اكراه با وجود حدیث رفع، عقوبت و مؤاخذه بر مکره متفی است، بنابراین، حرمت ابدی نیز متفی می‌شود. این انصراف احتمالی است، اما به‌هر حال، بنا به آنچه معروف است که «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، مرحوم حکیم، این احتمال را در اشکال صاحب عروه مطرح کرده است و البته خود ایشان این انصراف را رد می‌کند و به حرمت ابدی معتقد است (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص. ۱۵۷-۱۵۹). دوم اینکه، گفته شود اكراهى بودن زنا بنا به اقتضای حدیث رفع، موجب رفع اثر از فعل مکره‌علیه می‌شود. از آنجاکه حرمت ابدی از آثار فعل زناست، بنابراین، به استناد حدیث رفع، این اثر (حرمت ابدی) مرتفع و متفی می‌شود (خویی، بی تا الف، ج ۱، ص. ۲۸۵). توجیه سوم اینکه، گفته شود از آنجاکه مستندی غیر از اجماع در بحث مزبور وجود ندارد (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۳۸) و اجماع هم یک دلیل لبی است و شامل قدر متیقن از موضوع می‌شود، از این رو موضوع بحث مزبور اطلاقى ندارد تا مورد مانحن‌فیه (زناى اكراهى) را شامل شود. به عبارت بهتر، در مسئله مزبور، اطلاق لفظی موجود نیست تا

بخواهد شمولیت داشته باشد. افزون‌براینکه اصل مسئله مزبور که ترتب حرمت ابدی است، خلاف اصول و قواعد اولیه است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۸۵). از نظر نویسندگان، توجیه‌های دوم و سوم برای طرح اشکال از سوی محقق یزدی صحیح‌تر است؛ همچنان‌که برخی فقهای معاصر نیز بیان کرده‌اند.

در دیدگاه برخی دیگر از فقها نیز آمده است که مکروه بودن و مختار بودن مرد در ایجاد حرمت ابدی تأثیری ندارد و در هر حالت حرمت ابدی حاصل می‌شود (سیستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۶۲). این نظر فقھی با مفاد ماده ۱۰۵۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز هم‌راستا است؛ زیرا با توجه به نص صریح ماده ۱۰۵۴ قانون مدنی این استنباط حاصل می‌شود که علت حکم حرمت ابدی در رابطه با زن شوهردار، شوهردار بودن زانیه در حین عمل زناست؛ خواه مرد به اختیار مرتکب زنا شود و خواه به عنف و اکراه؛ البته برخی حقوق‌دانان نیز معتقدند اگر زانیه به زنا اکراه شده باشد، مدخوله باشد یا غیرمدخوله (به‌وسیله شوهر)، حرمت ابدی حاصل می‌شود، اما اگر مرد اکراه شود به زنا، با توجه به اینکه عمل مربوط زنا شمرده نمی‌شود، حرمت ابدی حاصل نمی‌شود و بر فرض اینکه زنا شمرده شود، اطلاق ماده ۱۰۵۴ قانون مدنی آن را دربر نمی‌گیرد؛ زیرا ماده منصرف به رفتاری است که با اختیار شخص انجام شده باشد نه به اکراه و اجبار. از این رو حرمت ابدی حاصل نمی‌شود (صفایی و امامی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۱).

۴-۱-۲. دیدگاه مخالف با ایجاد حرمت ابدی

عده‌ای دیگر از فقها قائل به عدم حرمت مصاهرتی هستند. برخی از فقهای طرف‌دار این دیدگاه خاطر نشان می‌کنند که اینکه گفته می‌شود در زنا به اکراه تمام احکام از جمله حرمت مصاهرت به دلیل اطلاق نصوص مترتب می‌شود، قابل اشکال است؛ زیرا اولاً، زنا در نصوص وارد، منصرف به زنا به اختیار و اراده است؛ یعنی زنایی که شخص به عمد و اختیار انجام می‌دهد. افزون‌براینکه این مسئله (زنا به اکراه) مشمول حدیث رفع هم می‌شود (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷ق، ج ۶۳، ص. ۱۰۶). به عبارت بهتر، از نظر مشارالیه با وجود حدیث رفع، همه آثار مترتب بر عنوان اکراه اعم از مؤاخذه و حرمت منتفی می‌شود. بنابراین، ایشان دو دلیل بر اینکه اکراه موجب نمی‌شود که حرمت مصاهرت مترتب شود، بیان کرده‌اند. دلیل نخست اینکه، زنایی مستوجب حکم

است که با اختیار و اراده صورت پذیرد. از این رو زناى به عنف و اکراه نشر حرمت را در پی ندارد؛ زیرا با اختیار و اراده صورت نگرفته است. دلیل دوم اینکه، این مسئله (حرمت مصاهرتی) مشمول حدیث رفع هم می‌شود؛ زیرا حدیث رفع تمام آثار را مرتفع می‌کند. از این رو حرمت مصاهرتی به واسطه حدیث رفع مرتفع می‌شود. همان‌طور که مشخص است، دلیل دومی که ایشان به آن اشاره کردند، حدیث رفع است. در واقع، ایشان بر این باورند که احکام وضعی مشمول حدیث رفع می‌شود.

۴-۲. آثار زناى اکراهی نسبت به اقارب

در خصوص نشر حرمت سببی و مصاهرتی، بین فقهای متقدم و متأخر اختلاف نظر جدی وجود دارد؛ به طوری که عده‌ای از آنان قائل به نشر حرمت مصاهرتی هستند (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۳۱۰؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۸۶؛ ابن حمزه، ۱۴۱۸ق، ص. ۲۹۲؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۳۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۸۸؛ صدوق (شیخ)، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص. ۴۱۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص. ۲۷؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، بی تا، ج ۵، ص. ۱۸۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۸۳۲؛ حکیم، ۱۳۷۴ق، ج ۱۴، ص. ۱۷۷). مستند این دسته از فقها، افزون بر روایات (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص. ۴۳۳)، عموم آیه شریفه سوره نساء است مبنی بر اینکه مادران و دختران زناى که با آنها نزدیکی کرده‌اید، بر شما حرام‌اند (نساء/۲۳). برخی دیگر از فقها به نشر حرمت ناشی از زنا اعتقادی ندارند (مفید (شیخ)، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۰۴؛ صدوق (شیخ)، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۲۵؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۱۸؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۵۲۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص. ۱۸۲؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص. ۳۴۴؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص. ۱۳۱)؛ زیرا معتقدند با وجود روایات معارض، آیات منصوص قرآنی در این باره اطلاق ندارند و با توجه به قدر متیقن از معنای آنها که محارم مصاهرتی ناشی از عقد نکاح را بیان کرده است، ماورای موارد یادشده از جمله وقوع زنا، موجب نشر حرمت مصاهرتی نمی‌شود (وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ (نساء/۲۴)). لازم به توضیح است که نویسندگان مقاله، با آنکه تنها به نشر حرمت به واسطه نکاح صحیح معتقدند، اما در این مقاله با فرض قبول دیدگاه آن دسته از فقهایی که معتقدند با وقوع زنا نیز نشر حرمت مصاهرتی واقع می‌شود، به طرح

مسئله زناى اكراهى و تأثير آن در نشر حرمت مصاهرتى پرداخته‌اند.

برخى معاصران معتقدند اگر زنا به عنف و اكراه واقع شود، به اقتضای اطلاق ادله نشر حرمت موجب حرمت مادر و دختر زانیه بر زانى و حرمت زانیه بر پدر و پسر زانى كه از احكام وضعیه این عمل است، می‌شود (شبییری زنجانی، بی‌تا، ج ۹، ص. ۲۸۹۷). اساساً تأثیر زناى اكراهى در نشر حرمت، در متون فقهی متقدمان و متأخران كمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، بلکه بیشتر در مباحث فقهی فقهای معاصر مطرح شده است؛ به طوری كه برخى معاصران خاطرنشان کرده‌اند كه در نشر حرمت مصاهرتى به واسطه زنا فرقى در حالت خواب و بیدارى و جبر و اختیار یا اضطرار نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص. ۸۳۳-۸۳۲). این در حالی است كه هیچ‌كدام از تعلیقه‌نویسان بر متن ایشان اشكالى وارد نكرده‌اند؛ البته سیدمحسن حكیم در شرح مستقل بر كتاب عروه، در مسئله مزبور با محقق یزدی موافقت کرده است (حكیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص. ۱۵۹-۱۵۷). باوجوداین، يكی دیگر از شارحان كتاب عروه قائل به تفصیل شده است؛ به طوری كه مرحوم خوئی ضمن مخالفت با صاحب عروه، خاطرنشان می‌كند كه باید تفاوت قائل شد بین احكام مصاهرت بر زانى و دیگران و احكام این دو نباید با يكدیگر خلط شود؛ زیرا حدیث رفع مقتضى آن است كه موضوع حكم زنا در خارج وجود نداشته و مرفوع است. ازاین‌رو احكام آن هم مترتب نمی‌شود. بنابراین، در زناى اجبارى یا اضطرارى زانى می‌تواند با مادر یا دختر مزنیُّها ازدواج كند. بااین‌حال، احكام مترتبه بر پدر و فرزند زانى رفع نمی‌شود. ازاین‌رو ازدواج مزنیُّها با پدر و پسر زانى همچنان حرام است (خوئی، بی‌تا، ج ۳۲، ص. ۳۲۵). به عبارت بهتر، ایشان بر این باورند كه با دو توجیه می‌توان احكام چهارگانه را (حرمت مادر و دختر مزنیُّها بر زانى و حرمت مزنیُّها بر پدر و پسر زانى) از يكدیگر تفكیک كرد. بدین صورت كه قائل بر حرمت مزنیُّها بر پدر و پسر زانى و عدم حرمت مادر و دختر مزنیُّها بر زانى شد.

توجیه نخست اینکه بپذیریم حدیث رفع تمام احكام از جمله تحریم مصاهرتى مادر و دختر مزنیُّها را مرتفع نمی‌كند، بلکه صرفاً عقوبت و مؤاخذه را از زانى مكره برمی‌دارد. به عبارت بهتر، ازآنجاكه ملاك حرمت نكاح با مادر و دختر مزنیُّها برای زانى

به نوعی عقوبت و مجازات شمرده می‌شود، از این رو حدیث رفع این مجازات را مرتفع می‌کند و موجب تحریم نمی‌شود و از آنجا که ملاک حرمت نکاح مزنی^۱ بها با پدر و پسر زانی به دلیل قرابت و فامیلی است که به واسطه زنا ایجاد شده، این حرمت همچنان بین آن‌ها باقی است (شبییری زنجانی، بی تا، ج ۹، ص. ۲۸۹۸).

توجیه دوم اینکه بپذیریم در عین حال که حدیث رفع همه آثار وضعی و تکلیفی را برمی‌دارد، حکم امتنانی و ارفاقی است؛ یعنی این رفع اثر، تنها متعلق به فعل زانی مکره است. از این رو حرمت نکاح دختر و مادر مزنی^۲ بها با زانی مکره قطعاً مرتفع می‌شود، اما نسبت به رفع حرمت نکاح مزنی^۳ بها با پدر و پسر تأثیر ندارد و حرمت همچنان باقی است (شبییری زنجانی، بی تا، ج ۹، ص. ۲۸۹۸).

به هر دو توجیه ایشان از سوی برخی شاگردان ایشان اشکال وارد شده است. اشکال اول اینکه، معلوم نیست که ملاک و مناط نشر حرمت مصاهرتی در زنا با یک زن لزوماً عقوبت و مؤاخذه است یا وجود قرابت و فامیلی که امکان نکاح را منتفی می‌کند. از این رو تفکیک مزبور وجهی ندارد؛ چنان‌که غالب فقها نیز چنین تفکیکی را بیان نکرده‌اند. اشکال دومی که به توجیه ایشان وارد شده، این است که ادله تحریم مصاهرتی مطلق بوده و شامل احکام چهارگانه یعنی حرمت نکاح مادر و دختر مزنی^۴ بها با زانی و حرمت نکاح پدر و پسر زانی با مزنی^۵ بهاست. از این رو اگر زناى اکراهی واقع شود به اقتضای حدیث رفع تمام آثار چهارگانه نشر حرمت مترتب بر زنا برداشته می‌شود. بنابراین، نه تعدد مناط قابل پذیرش است (تفکیک در احکام چهارگانه و قول به عدم ایجاد حرمت مادر و دختر زانیه بر زانی اکراه شده و حرمت زانیه بر پدر و پسر زانی) و نه رفع تمام آثار در حدیث رفع مورد قبول است، بلکه اعتقاد بر این است که زناى شخص مکره مانند شخص مختار موجب نشر حرمت در همه موارد چهارگانه می‌شود (شبییری زنجانی، بی تا، ج ۹، صص. ۲۸۹۹-۲۸۹۸)، اما به عقیده نگارندگان، تفکیک خوبی به واقع نزدیک‌تر است؛ زیرا مستندی غیر از اجماع در بحث مزبور وجود ندارد. اجماع هم یک دلیل لبی است و شامل قدر متیقن از موضوع می‌شود. افزون‌براینکه مسئله مزبور (تحریم مصاهرتی) مشمول حدیث رفع نیز می‌شود. گفتنی است دیدگاه فقها در رابطه با متعلق حدیث رفع مختلف است و قبول یا رد هر یک از

آن‌ها در پاسخ به مسئله و موضوع مانحن‌فیه که وجود یا عدم وجود نشر حرمت مصاهرتی به واسطه زناى اکراهی است، مؤثر است. از این‌رو لازم است تا مفاد حدیث رفع به‌عنوان دلیل مستقل مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت، معلوم شود که آیا به استناد حدیث رفع، جمیع آثار زناى اکراهی رفع می‌شود یا اینکه اختصاص به احکام تکلیفی و مؤاخذه دارد.

۵. واکاوی حدیث رفع به‌عنوان دلیل مستقل

حدیث رفع^۵ از جمله احادیث مهمی است که در واقع، متضمن مبنای حقوقی و قاعده‌ای پرکاربرد در متون فقهی است. این حدیث بر احکام اولیه حاکم بوده و در واقع آثار مترتب بر عناوین و فقرات موجود در حدیث را مرتفع می‌کند. از جمله مهم‌ترین مباحث حدیث رفع آن است که موضوع و متعلق رفع چیست و به عبارتی موضوع آن کدام است. رفع در لغت به معنای برطرف کردن و برداشتن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۲۹). در اصطلاح به معنای ازاله چیزی است که قبلاً محقق بوده و حاصل شده است (سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۰). به عبارت دیگر، رفع عبارت است از معدوم کردن شیء موجود و در مقابل آن، دفع یعنی منع کردن از ایجاد یک شیء (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۳۳۶-۳۳۷). در هر صورت، در اینکه مراد از مرفوع در این حدیث چیست، در میان فقهای صاحب‌نظر معاصر اختلاف نظر وجود دارد (منتظری، ۱۴۱۵ق، ص ۵۸۳). از این‌رو برای فهم بهتر و دقیق‌تر متعلق رفع و شرایط آن لازم است دیدگاه فقها در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد که در زیر به آن اشاره می‌شود.

۵-۱. متعلق رفع

برخی فقها از اساس حدیث رفع را به‌خاطر مجمل بودن از حجیت ساقط می‌دانند. ابوعبدالله بصری و ابوالحسین بصری در این دسته از فقها جای می‌گیرند (بصری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۸). استدلال این دسته از فقها بر این موضوع استوار است که به سبب اینکه رفع به خطا و نسیان تعلق گرفته و از سوی مشاهده وقوع خطا و نسیان موضوعی وجدانی است، از این‌رو مرتفع شدن خود این امور غیرقابل تصور است

(طوسی (شیخ)، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۵؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۱۸). برخی دیگر متعلق رفع را به تناسب خود آن موضوع قابل بررسی می‌دانند؛ به طوری که در بیشتر موارد، رفع عقاب و مؤاخذه مراد است، در برخی از موارد، رفع تأثیر و در برخی دیگر، مراد از رفع، رفع تکلیف است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۰۳). عده‌ای از فقها بر این باورند که حدیث رفع افزون‌بر احکام تکلیفی، شامل احکام وضعی نیز می‌شود. به عبارت بهتر، افزون‌بر احکام تکلیفی، احکام وضعیه (مانند نکاح، طلاق و حرمت مصاهرت) نیز به واسطه حدیث رفع و از باب امتنان برداشته می‌شود (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷). برای مثال، این دسته از فقها بر این باورند که حدیث رفع در معامله اکراهی، مفاد حکم «اوفوا بالعقود» را برمی‌دارد؛ یعنی لسان حدیث عام است و دلیلی وجود ندارد که اختصاص به احکام تکلیفی داشته باشد (قدیری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۳۸۰-۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۴۸). آخوند خراسانی در بحث ادله برائت معتقد است در موضوع اضطرار و اکراه حدیث رفع اگر بخواهیم تنها رفع عقاب و مؤاخذه را مرفوع بدانیم، موجه به نظر نمی‌رسد. ایشان معتقدند اساساً در حدیث رفع مراد از مای موصوله، خود حکم است؛ یعنی همان فعل اکراهی یا اجباری یا اضطراری. به عبارت بهتر، آنچه به واسطه حدیث رفع مرتفع می‌شود، خود فعل است و وقتی فعل منتفی شود، حکم آن هم اعم از تکلیفی و وضعی مرتفع می‌شود. در این صورت نیازی به اسناد مجازی (اسناد رفع به حکم) نیست. بنابراین، حدیث رفع به‌عنوان یک امتنان و ارفاق بر امت، بر رفع تمام احکام تکلیفی و وضعی دلالت دارد؛ همچنان‌که امام معصوم (علیه‌السلام) در رفع آثار طلاق اکراهی به این حدیث نبوی استناد کرده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، صص ۳۴۲-۳۴۱). مرحوم حائری یزدی در این رابطه توضیح می‌دهد «اگر به ظاهر حدیث رفع بنگریم، صرفاً متعلق رفع، عقاب و مؤاخذه خواهد بود، اما با توجه به استشهاد امام (علیه‌السلام)، حدیث رفع برای بطلان قسم اکراهی و امر بین تقدیر گرفتن همه آثار (تکلیفی و وضعی) و اثر مناسب مردد خواهد شد و از آنجاکه تقدیر گرفتن "اثر مناسب" مستلزم ملاحظات متعدد است، در تقدیر گرفتن "جمع آثار" متعین است» (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، صص ۴۴۳-۴۴۲). امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به پرسش درباره طلاق اکراهی با استناد به حدیث رفع

فرمودند که سوگند اکراهی باطل است و آثار وضعی مانند طلاق یا صدقه بر آن مترتب نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۳، ص. ۲۲۶). شیخ انصاری نیز در خصوص متعلق حدیث رفع به سه قول اشاره می‌کند (نفی همه آثار اعم از تکلیفی و وضعی، نفی به تناسب هر موضوع و نفی صرفاً مؤاخذه و عقوبت). ایشان قول سوم را به لحاظ عرف نزدیک به واقع و قول اول را به لحاظ ظهور و معنای حقیقی معتبر می‌شمارد و در نهایت، استدلال می‌کند اگر حدیث رفع تنها برای مؤاخذه باشد، در این صورت امتنان و ارفاقی برای امت پیغمبر نخواهد بود. بنابراین، آنچه ارفاقی بودن حدیث رفع را توجیه می‌کند، رفع هر دو آثار وضعی و تکلیفی است (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۲۹). مرحوم خوئی نیز معتقد است حدیث رفع، تمام آثار تکلیفی و وضعی را مرتفع می‌کند. به عبارت بهتر، مقتضای حدیث رفع آن است که اصلاً فعل صادر شده از مجبور یا مکره یا مضطر در عالم تشریح معدوم فرض شده است. از این رو هیچ حکمی بر آن مترتب نیست (خوئی، بی تا الف، ج ۱، ص. ۳۹۸). بر همین اساس، ایشان معتقدند در فرض مانحن‌فیه (یعنی زنا یا اکراهی)، حدیث رفع تمام آثار حرمت را برمی‌دارد (خوئی، بی تا الف، ج ۱، ص. ۲۹۵).^۶

از سویی برخی فقها، متعلق رفع در حدیث رفع را تنها مؤاخذه دانسته‌اند نه جمیع آثار (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ص. ۴۱۳؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص. ۵۰؛ بهایی (شیخ)، ۱۳۸۳، ص. ۳۹۰؛ نراقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۵). استدلال این دسته از فقها بر رفع عقاب (نه جمیع آثار) آیات قرآن^۷ و روایاتی^۸ است که صراحت در رفع عقاب و مؤاخذه دارند. از این رو معتقدند اینکه برخی اصولیان جمیع آثار را به واسطه حدیث رفع برداشته‌اند، به خاطر حدیثی بوده که غیرقابل اتکا و ضعیف است (مجلسی (علامه)، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص. ۳۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۳، ص. ۲۲۶). در تأیید این دیدگاه برخی بیان کرده‌اند حدیث رفع برای عموم مردم بیان شده است. از این رو نخستین چیزی که به اذهان مردم متبادر می‌شود، رفع عقاب است و اثر ظاهر یا عموم آثار که نیاز به مباحث پیچیده فقهی و اصولی دارند و اختلافات بسیاری نیز در آنها وجود دارد، کاملاً با اذهان مردم نامأنوس است (قنبری شیخ شبانی، ۱۴۰۰، ص. ۴۵). برخی فقها معتقدند (برداشته شدن) اقتضا می‌کند که متعلق آن امر سنگینی باشد و بر این اساس باید آنچه برداشته می‌شود، امر سنگینی باشد تا تعلق رفع به آن صحیح باشد. به همین خاطر

معتقدند، بعيد است چیزی ثقیل تر از مؤاخذه وجود داشته باشد (خرازی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص. ۴۲۱؛ جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۳۴۶).

۲-۵. شرایط رفع

نخستین شرطی که فقها برای رفع اثر به واسطه حدیث رفع بیان کرده‌اند آن است که حکم بارشده بر فعل مکلف به عنوان خود فعل باشد نه عنوانی دیگر (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۲). بنابراین، اگر از روی اکراه و اضطرار، بدن یا لباس کسی نجس شود، حکم به نجاست آن می‌شود و نمی‌توان با استناد به حدیث رفع، حکم به عدم نجاست آن کرد؛ زیرا نجس شدن بر عنوان ملاقات با نجاست به عنوان فعل مکلف بار نشده است، بلکه بر خود ملاقات بار شده است؛ هرچند مکلف هیچ نقشی در آن نداشته باشد (صالحی مازندرانی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۹۱). مثال دیگری که می‌توان ارائه داد وجوب قضای نماز است. بر این ابتننا، در صورتی که شخصی به دلیل اضطرار یا اکراه، قادر به ادای نماز در وقت مقرر خود نشود، وجوب قضای آن نماز همچنان بر عهده او باقی می‌ماند. دلیل این موضوع آن است که وجوب قضا ناشی از فوت نماز یعنی عدم انجام آن در زمان معین است و نه به سبب عملی که فرد مکلف به‌طور عمدی انجام داده یا ترک کرده باشد (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۳۱۲؛ روحانی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۳۲۷). در رابطه با زناى اکراهی و نشرحرمت مصاهرتهی ناشی از آن که خود حکمی وضعی است، نمی‌توان این مبنا را به کار برد؛ زیرا در زناى اکراهی، تحریم مصاهرتهی به خود فعل زنا (چه اختیاری و چه اکراهی) وابسته است نه به شرایط خارجی مستقل از فعل شخص؛ برخلاف نجاست که به ملاقات با چیز نجس وابسته است.

شرط مهم دیگر آن است که رفع اثر در راستای امتنان امت باشد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۲؛ صالحی مازندرانی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۹۱؛ روحانی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۳۲۷). از این رو، اگر کسی از روی اکراه و اضطرار مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است و نمی‌توان به استناد حدیث رفع، ضامن را از او برداشت؛ زیرا رفع ضامن نسبت به صاحب مال تلف‌شده برخلاف امتنان است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص. ۲۶۱). نکته‌ای که برخی به آن اشاره کرده‌اند این است که این امتنان باید برای همه امت باشد نه شخص واحد. برای مثال، اگر شخصی شیشه منزلی را بشکند، اگرچه بر

کسی که شیشه را شکسته است امتنان اقتضا می‌کند که ضامن نباشد، اما بدیهی است که بر صاحب شیشه و امت امتنان نخواهد بود. به همین خاطر است که فقها خاطر نشان کرده‌اند که حکم تکلیفی به واسطه اکراه برداشته می‌شود، اما حکم وضعی (ضمان) برداشته نمی‌شود؛ زیرا حدیث رفع باید در راستای امتنان باشد و این امتنان باید بر امت باشد نه شخص واحد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۲)، اما باید خاطر نشان کرد که موضوع مورد بحث ما (تحریم مصاهرتی) با مثال فوق (ضمان) کاملاً متفاوت است؛ زیرا تحریم مصاهرتی خلاف امتنان بر امت نخواهد بود. از این رو نگارندگان معتقدند اگر تحریم مصاهرتی در این حالت باقی بماند، فردی که بدون اراده و به اجبار درگیر این فعل شده باشد، از حقی (مثل حق ازدواج با مادر یا دختر طرف مقابل) محروم می‌شود. این محرومیت به‌ویژه با توجه به عدم اختیار او در فعل زنا، نوعی مشقت و سخت‌گیری بر اوست که با اصل امتنان (تسهیل بر امت) سازگار نیست و از سویی با رفع تحریم مصاهرتی هیچ ضرری هم بر امت وارد نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نگارندگان در تلاش برای پاسخ به این پرسش مهم بودند که آیا زنا به عنف مانند زنا مطاوعی منجر به حرمت مصاهرت می‌شود یا خیر؟ نویسندگان با مطالعه آثار فقهی و اصولی و با مراجعه به فتاوی فقهی به نتایج زیر دست یافتند.

۱. بر اساس یافته‌های این تحقیق، زنا به عنف موجب تحریم مصاهرت نمی‌شود. دلیل اصلی این است که زنا به عنف مستوجب حکم است که با اراده و اختیار صورت گرفته باشد. در زنا به عنف، به دلیل فقدان اراده و اختیار، شرایط لازم برای ایجاد حرمت ابدی (مانند حرمت ازدواج با مادر یا دختر زانیه و پدر یا پسر زانی) محقق نمی‌شود.
۲. حدیث رفع به‌عنوان دلیل مستقل، هم شامل احکام تکلیفی (مانند واجبات، محرّمات، مستحبات و مکروهات) و هم احکام وضعی (مانند تحریم مصاهرتی) می‌شود و این‌گونه نیست که تنها در خصوص احکام تکلیفی اعمال شود. مفاد این حدیث نشان می‌دهد که هرگونه آثار شرعی ناشی از افعال غیرارادی (خطا، نسیان و اکراه) از امت اسلام برداشته شده است. بنابراین، در

زناى اكراهى، هم مجازات حدى (مانند شلاق يا اعدام) و هم آثار وضعى (مانند تحریم مصاهرتى) به استناد حدیث رفع مرتفع می‌شود.

۳. حرمت مصاهرتى در زناى به عنف در متون فقهى متقدمان و متأخران کمتر مورد نقد و بررسى قرار گرفته است، بلکه بیشتر فقهای معاصر به این مسئله پرداخته‌اند. افزون‌براینکه آن دسته از فقهای معاصر که در زناى به عنف مانند زناى مطاوعى قائل بر حرمت‌اند، دلیلى که به‌طور صریح ادعای ایشان را تقویت کند، ارائه نکرده‌اند، بلکه به اجماع و اطلاق ادله نشر حرمت بسنده کرده‌اند.

۴. با وجود روایات معارض، آیات منصوص قرآنى اطلاق ندارد و با توجه به قدر متیقن از معنای آن‌ها که محارم سببى ناشى از عقد نکاح را بیان کرده است، ماورای موارد یادشده و از جمله وقوع زنا موجب نشر حرمت سببى نمی‌شود.

یادداشت‌ها

۱. مصاهرت عبارت است از حصول پیوند زناشویى زوجین با خویشاوندان دیگری که این پیوند، حرمت نکاح را عیناً یا جمعاً در پی دارد....
۲. هرگاه کسی بر اثر اكراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌شود. در جرائم موجب تعزیر، اكراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص، طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.
۳. ماده ۲۲۴: حد زنا در موارد زیر اعدام است.
الف- زنا با محارم نسبی.
ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.
پ- زناى مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.
ت- زناى به عنف یا اكراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.
تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای ب و پ حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زناست.
تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زناى با او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زناى به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

۴. ولو كان الواطی مكرها على الزنا فالظاهر لحوق الحكم وإن كان لا يخلو عن إشكال أيضا.

۵. حدیث رفع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مفاد آن، برداشته شدن نه چیز از امت اسلامی برای رحمت و امتنان بر آنان است. این نه چیز عبارت‌اند از خطا، فراموشی، آنچه با اکراه انجام داده‌اند، آنچه نمی‌دانند، چیزهایی که تحمل آن را ندارند، آنچه بدان مضطر شوند (اضطرار)، حسد (تا زمانی که آن را اظهار نکنند و به آن ترتیب اثر ندهند)، تغال به بد زدن و وسوسه در تفکر در خلق (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، صص. ۳۷۰-۳۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۴۶۳).

۶. لازم به یادآوری است که محقق یزدی در کتاب *عروة الوثقی* و حکیم در *مستمسک عروة الوثقی* معتقدند در خصوص نشر حرمت به سبب زنا، هیچ فرقی بین زنا به اختیار و اکراه وجود ندارد؛ زیرا اطلاق ادله و اطلاق فتاوی فقهی و شهرت فتوایی دلالت بر این موضوع می‌کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۸۲۴؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص. ۱۵۹).

۷. بقره/۲۴۹، بقره/۲۸۶ و نحل/۱۰۶.

۸. روایت اول: اللهم إذ أعطيتني ذلك كله فزدي قال سل قال ربنا ولا تحملنا مالا طاقة لنا به فقال تبارك اسمه قد فعلت ذلك بامتك وقد رفعت عنهم عظم بلا يا الامم وذلك حكمي في جميع الامم أن لا اكلف خلقا فوق طاقتهم قال فقال النبي (مجلسی (علامه)، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، صص. ۴۹-۲۸)؛ روایتی از امام کاظم (علیه السلام) وارد شده است که بیان‌کننده گفت‌وگوی پروردگار با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب معراج است. خداوند می‌فرماید «و آن حکم من است که امتی را بالاتر از طاقتشان تکلیف نکنم». در این روایت از واژه‌های عقاب، بلا، عذاب و مؤاخذه استفاده شده است. روایت دوم: وباسناده عن الحسن بن محبوب عن علي بن رثاب عن حمران قال سألت (أبا عبدالله) عن امرأة تزوجت في عدتها بجهالة منها بذلك فقال لا أرى عليها شيئا ويفرق بينها وبين الذي تزوج بها ولا تحل له أبدا (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص. ۴۵۵)؛ روایت اخیر که حمران از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده، در رابطه با زنی است که در عده با مردی ازدواج کرده و جاهل به تحریم ازدواج در عده بوده است. امام (علیه السلام) فرمودند حد و حرمت تکلیفی بر آن زن نیست، اما حرمت وضعی پیدا می‌کند؛ یعنی آن زن بر این مرد، حرام ابدی می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

- ابن ادريس حلى، فخرالدين ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر (جلد ۲). چاپ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
- ابن براج، عبدالعزيز بن نحرير (۱۴۰۶ق). المهذب (جلد ۲). قم: جامعه مدرسين.
- ابن حمزه، محمد بن على (۱۴۱۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- ابن زهره، حمزه بن على (۱۴۱۷ق). غنية النزوع الى علمى الاصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام).
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جلدهاى ۴، ۸ و ۹). بيروت: دار صادر.
- ابو صلاح حلى، تقى بن نجم (۱۴۰۳ق). الكافى فى فقه. اصفهان: كتابخانه امير المؤمنين (عليه السلام).
- اراكى، محمد على (۱۳۷۷). كتاب نكاح، قم: نورنگار.
- اشتهاردى، على پناه (۱۴۲۹ق). مدارك العروة (جلد ۲۹). تهران: منظمة الاوقاف والشؤون الخيرية/ دارالاسوة للطباعة والنشر.
- انصارى (شيخ)، مرتضى بن محمد امين (۱۴۱۹ق). فرائد الاصول (جلد ۲). قم: مجمع الفكر الاسلامى.
- انصارى (شيخ)، مرتضى بن محمد امين (۱۴۱۱ق). مكاسب (جلد ۱) قم: دارالذخائر.
- برهانى، محسن و دادجو، مهسا (۱۳۹۶). «مفهوم و جاىگاه عنف در حقوق كىفرى ايران». حقوق اسلامى، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص. ۱۴۸-۱۱۱.
- بصرى، ابو الحسين (۱۴۰۳ق). المعتمد فى اصول الفقه (جلد ۱). بيروت: دارالكتب العلمية.
- بهايى (شيخ)، محمد (۱۳۸۳). زبدة الاصول، قم: شريعت.
- جبعى عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على بن احمد (بى تا). الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (جلد ۵). ۱۰ ج، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- جبعى عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على بن احمد (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام (جلد ۷) قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- جلالى مازندراني، سيد محمود (۱۴۱۴ق). المحصول فى علم الاصول (جلد ۳). قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام).
- حائرى يزدى، عبدالكريم (۱۴۱۸ق) در الفوائد (طبع جديد). چاپ ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامى.

- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (جلدهای ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۳ و ۲۸). ۳۰ ج، چاپ ۱، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷ق). الفقه (جلد ۶۳). بیروت: دارالعلوم.
- حکیم، محسن (۱۳۷۴). مستمسک العروة الوثقی (جلد ۱۴). قم: دارالتفسیر.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا). تذکرة الفقهاء (ط القدیمة؛ الاجارة الی النکاح) (جلد ۲). تهران: مکتبة المرتضویة.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (جلد ۷). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۵ق). نهاية الوصول الی علم الاصول (جلد ۲). قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام (جلد ۲). قم: اسماعیلیان.
- خرازی، محسن (۱۴۲۲ق). عمدة الاصول. قم: مؤسسه در راه حق.
- خویی، سیدابوالقاسم (بی تا الف). النکاح (جلد ۱). بی جا: بی نا.
- خویی، سیدابوالقاسم (بی تا ب). مبانی فی شرح العروة الوثقی (مقدمه) (جلد ۳۲). بی جا: مؤسسه الخویی الاسلامیة.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مصباح الاصول (جلد ۱). قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخویی.
- روحانی، سیدمحمدصادق (بی تا) زیادة الاصول (جلد ۴). بی جا: حدیث دل.
- سبحانی، جعفر (بی تا). تقریر بحث السید روح الله الخمنی، الشیخ جعفر سبحانی (جلد ۲). قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سرخسی، محمدبن احمد (۱۴۰۶ق). المبسوط (جلد ۲۴). بیروت: دارالمعرفة.
- سرور، ابراهیم حسین (۱۴۲۹ق). المعجم الشامل للمصطلحات العلمیة والدینیة (جلد ۱). بیروت: دارالهادی.
- سیدمرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم/ مؤسسه النشر الاسلامی.
- سیدمرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق). مسائل الناصریات. تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیة/ مدیریة الترجمة والنشر.

سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۵ق). *منهاج الصالحین* (جلد ۳). قم: کتب آیت الله العظمی السید سیستانی.

شبیروی زنجانی، موسی (بی تا). *کتاب نکاح* (جلد ۹). قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز. شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۳۰ق). *اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمیة.

صالحی مازندرانی، اسماعیل (بی تا). *مفتاح الاصول* (جلد ۳). بی جا: نشر الصالحان. صدوق (شیخ)، محمدبن علی (۱۴۰۴ق). *من لایحضره الفقیه* (جلد ۳). قم: جامعه مدرسین. صدوق (شیخ)، محمدبن علی (۱۴۱۵ق). *المقنع*. قم: مؤسسه الامام الهادی (علیه السلام). صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۴۰۲). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ ۶۰، تهران: میزان. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۹ق). *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل* (جلد ۱۰). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *العروة الوثقی* (جلد ۲). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۳۶۵ق). *التهدیب الاحکام* (جلد ۷). چاپ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلافة* (جلد ۴). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم/مؤسسه النشر الاسلامی.

طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی اصول الفقه* (محمد رضا انصاری قمی، محقق و گردآورنده) (جلد ۲). قم: تیزهوش. طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۴۰۰ق)، *النهایه*. چاپ ۲، بیروت: دارالکتب عربی.

عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق). *شرح تبصرة المتعلمین* (جلد ۵). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم/مؤسسه النشر الاسلامی.

فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق). *تفصیل الشریعة (النکاح)*. قم: مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام).

فاضل هندی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام عن قواعد الاحکام* (جلد ۷). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم/مؤسسه النشر الاسلامی.

قدیری، محمدحسن (۱۴۱۸ق). *کتاب بیع* (جلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

- امام خمینی (رحمت الله علیه).
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). *قوانین الاصول* (جلد ۳). قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
- قنبری شیخ شبانی، حسن و قنبری شیخ شبانی، محمدتقی (۱۴۰۰). «بازکاوی حدیث رفع».
- فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی*، دوره ۷، شماره ۲۵.
- کلینی، ابوجعفر (۱۴۰۷ق). *الکافی* (جلدهای ۲ و ۴). ۸ج، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۳۵۲). *وسيلة النجاة (المحشی)* (جلد ۳). قم: نیکنام.
- گوهری، احد؛ جهانگیری، محسن (۱۴۰۲). «حکم ازدواج پسر و پدر زانی با زانیه از نگاه مذاهب خمس»، *مجله آموزه های فقه مدنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره ۱۵، شماره ۲۷.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار* (جلدهای ۵ و ۱۰). تهران: دار احیاء التراث العربی.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد (۱۳۸۱). *کفایة الفقه* (جلد ۲). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم/ مؤسسه النشر الاسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد* (جلد ۱۲). چاپ ۲، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۹۵). *فقه تطبیقی* (کاظم پورجوادی، مترجم). چاپ ۵، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مفید (شیخ)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (رحمت الله علیه).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). *کتاب نکاح* (جلدهای ۱ و ۴). چاپ ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *انوار الفقاهه (کتاب حدود و تعزیرات)*. چاپ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *نهایة الاصول (تقریرا لایبحاث سماحة المرحوم آیت الله العظمی الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی (قدس سره))*. تهران: تفکر.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۳۱ق). *التعلیقہ علی العروه الوثقی* (جلد ۲). قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید (رحمت الله علیه).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲ الف). *تحریر الوسیله* (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

- آثار امام خمینی (قدس سره).
موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲ ب). *استفتائات* (جلد ۹). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). *مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام* (جلد ۲۴). قم: سیدعبدالاعلی السبزواری.
موسوی عاملی، محمدبن علی (۱۴۱۳ ق). *نهایة المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام* (جلد ۱). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم / مؤسسه النشر الاسلامی.
نایینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الاصول* (محمدعلی کاظمی خراسانی، تقریرات) (جلد ۳). قم: جامعه مدرسین.
نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). *جواهر الکلام* (جلد ۲۹). چاپ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
نجفی اصفهانی، محمدرضا (۱۴۱۳ ق). *وقایة الانهان*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۳۸۴). *تجرید الاصول*. قم: سنای معرفت.
نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). *مستند الشیعة فی احکام الشریعة* (جلد ۱۶). قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
هاشمی خانعباسی، سید علی؛ آقایی، مرتضی (۱۴۰۰). «نگاهی به دیدگاه فقهای مذاهب خمسہ پیرامون اثر زنا و لواط بر حرمت مصاهرت». *فصلنامه فقه مقارن*، دوره ۹، شماره ۱۷.
هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)* (جلدهای ۳، ۴ و ۵). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

References

- The Holy Qur'an.
Abu Salah Halabi, Taqi ibn Najm (1403 AH). *Al-Kafi fi Fiqh*. Isfahan: Amir al-Mu'minin Library. [in Arabic]
Akhund Khorasani, Mohammad Kazim ibn Hossein (1409 AH). *Kifayat al-Usul*. Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
Ansari (Sheikh), Morteza ibn Mohammad Amin (1411 AH). *Makasib* (Volume 1). Qom: Dar al-Dhakha'ir. [in Arabic]
Ansari (Sheikh), Morteza ibn Mohammad Amin (1419 AH). *Fara'id al-Usul* (Volume 2). Qom: Islamic Thought Association. [in Arabic]
Araki, Muhammad Ali (1998). *Ketab al-Nikah (Book of Marriage)*. Qom: Noornagar Publications. [in Arabic]

- Baha'i (Sheikh), Mohammad (2004). *Zubdat al-Usul*, Qom: Shari'ah.
- Basri, Abu al-Husayn (1403 AH). *Al-Mu'tamad fi Usul al-Fiqh* (Volume 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Borhani, Mohsen; Dadjou, Mahsa (2017). "The Concept and Position of Violence in Iranian Criminal Law." *Islamic Law Journal*, vol. 14, No. 53, pp. 111–148. [in Persian]
- Eshtehardi, Ali-Panah (1429 AH). *Madarik al-Urwa* (Volume 29). Tehran: Organization of Endowments and Charitable Affairs / Dar al-Usweh for Printing and Publishing. [in Arabic]
- Fazel Movahedi Lankarani, Muhammad (1421 A.H.). *Tafsil al-Shari'ah (Nikah)*, Qom: Center for Fiqh of the Pure Imams (A.S.). [in Arabic]
- Fazil Hindi, Mohammad ibn Hasan (1416 AH). *Kashf al-Litham 'an Qawa'id al-Ahkam* (Volume 7). Qom: Society of Seminary Teachers in Qom / Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Ghadiri, Muhammad Hasan (1418 A.H.). *Kitab al-Bay* (Volume 1). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Persian]
- Ghanbari Sheikh Shabani, Hassan and Ghanbari Sheikh Shabani, Mohammad Taghi (2021). "Re-examination of the Hadith of Raf'." *Scientific-Research Quarterly of Jurisprudential and Usul Studies*, Vol. 7, No. 25. [in Persian]
- Gohari, Ahad; Jahangiri, Mohsen (2023). "The Ruling on the Marriage of a Fornicating Son and Father with a Fornicatress from the Perspective of the Five Islamic Schools." *Journal of Civil Jurisprudence Teachings, University of Razavi Islamic Sciences*, vol. 15, no. 27. [in Persian]
- Golpaygani, Sayyid Mohammad Reza (1973). *Wasilat al-Najat* (Annotated) (Volume 3). Qom: Niknam. [in Arabic]
- Haeri Yazdi, Abdulkarim (1418 A.H.). *Durar al-Fawa'id*, New Edition, 6th ed., Qom: Islamic Publishing Institution. [in Arabic]
- Hakim, Mohsen (1995). *Mustamsak al-Urwa al-Wuthqa* (Volume 14). Qom: Dar al-Tafsir. [in Arabic]
- Harr Amili, Mohammad ibn Hasan (1414 AH). *Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* (Volumes 13, 15, 20, 23, and 28). 30 vols., 1st Edition, Beirut: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Hashemi Khanabasi, Seyed Ali; Aghaei, Morteza (2021). "A Look at the Views of the Jurisprudents of the Five Schools of Thought Regarding the Effect of Adultery and Sodomy on the Prohibition of Affinity." *Comparative Jurisprudence Quarterly*, Vol. 9, No. 17. [in Persian]
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud (2003). *Dictionary of Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt (peace be upon them)* (Volumes 3, 4, and 5). Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia Based on the School of Ahl al-Bayt. [in Persian]
- Hilli (Allama), Hasan ibn Yusuf (1413 AH). *Mukhtalaf al-Shi'a fi Ahkam al-*

- Shari'a* (Volume 7). Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [in Arabic]
- Hilli (Allama), Hasan ibn Yusuf (n.d.). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Old Edition; Al-Ijara to Al-Nikah) (Volume 2). Tehran: Murtaza'iyya Library. [in Arabic]
- Hilli (Allama), Hasan ibn Yusuf ibn Muthar Asadi (1425 A.H.). *Nihayat al-Wusul ila 'Ilm al-Usul* (Volume 2). Qom: Imam Sadiq Institute. [in Arabic]
- Hilli (Muhaqqiq), Ja'far ibn Hasan (1408 AH). *Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram* (Volume 2). Qom: Isma'iliyan. [in Arabic]
- Hosseini Shirazi, Sayyid Mohammad (1407 AH). *Al-Fiqh* (Volume 63). Beirut: Dar al-Ulum. [in Arabic]
- Ibn Barraaj, Abdul Aziz ibn Nahrir (1406 AH). *Al-Muhadhdhab* (Volume 2). Qom: Society of Seminary Teachers. [in Arabic]
- Ibn Hamza, Mohammad ibn Ali (1418 AH). *Al-Wasila ila Nayl al-Fadila*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Idris Hilli, Fakhr al-Din Abu Abdullah Mohammad ibn Ahmad (1410 AH). *Al-Sara'ir* (Volume 2). 2nd Edition, Qom: Islamic Publishing Institute Affiliated with the Society of Seminary Teachers. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Jamal al-Din Mohammad ibn Makram (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Volumes 4, 8, and 9). Beirut: Dar Sader. [in Arabic]
- Ibn Zuhra, Hamza ibn Ali (1417 AH). *Ghunya al-Nuzu' ila 'Ilmay al-Usul wa al-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute (peace be upon him). [in Arabic]
- Iraqi, Zia al-Din (1414 AH). *Sharh Tabsirat al-Muta'allimin* (Volume 5). Qom: Society of Seminary Teachers in Qom / Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Jaba'i Amili (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali ibn Ahmad (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam* (Volume 7). Qom: Islamic Knowledge Institute. [in Arabic]
- Jaba'i Amili (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali ibn Ahmad (n.d.). *Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a al-Dimashqiyya* (Volume 5). 10 vols. Qom: Islamic Knowledge Institute. [in Arabic]
- Jalali Mazandarani, Sayyid Mahmoud (1414 A.H.). *Al-Mahsool fi 'Ilm al-Usul*, (Volume 3). Qom: Imam Sadiq Institute. [in Arabic]
- Kharazi, Mohsen (1422 A.H.). *Umdat al-Usul*. Qom: Dar Rah-e Haq Institute. [in Arabic]
- Khoei, Sayyid Abul Qasim (1422 AH). *Misbah al-Usul* (Volume 1). Qom: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [in Arabic]
- Khoei, Sayyid Abul Qasim (n.d.a). *Al-Nikah* (Volume 1). [No place]: [No publisher]. [in Arabic]
- Khoei, Sayyid Abul Qasim (n.d.b). *Mabani fi Sharh al-Urwa al-Wuthqa* (Introduction) (Volume 32). [No place]: Al-Khoei Islamic Institute. [in Arabic]

- Kulayni, Abu Ja'far (1407 AH). *Al-Kafi* (Volumes 2 and 4). 8 vols., Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [in Arabic]
- Majlisi (Allama), Mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Volumes 5 and 10). Tehran: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser (1424 AH). *Kitab Nikah* (Volumes 1 and 4). 2nd Edition, Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Naser (1998). *Anwar al-Fuqaha (Book of Hudud and Ta'zirat)*, 1st ed., Qom: Imam Ali School. [in Arabic]
- Moghniyeh, Muhammad Jawad (2016). *Applied Fiqh*, (trans. Kazem Pour Javadi), 5th ed., Tehran: Jihad University Press. [in Persian]
- Mohaghegh Sabzevari, Muhammad Baqir ibn Muhammad Mumin (2002). *Kifayat al-Fiqh . Kifayat al-Fiqh (Volume 2)*. Qom: Society of Seminary Teachers, Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Montazeri, Hossein Ali (1415 AH). *Nihayat al-Usul* (Notes on the Discussions of His Eminence the Late Grand Ayatollah Haj Agha Hossein Tabataba'i Borujerdi, may his soul be sanctified). Tehran: Tafakkur. [in Arabic]
- Mousavi Amili, Mohammad ibn Ali (1413 AH). *Nihayat al-Maram fi Sharh Mukhtasar Shara'i' al-Islam* (Volume 1). Qom: Society of Seminary Teachers in Qom / Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Mousavi Ardabili, Sayyid Abdulkarim (1431 A.H.). *Al-Ta'liqah 'ala al-'Urwah al-Wuthqa (Volume 2)*. Qom: Publishing Institute of Jami'at al-Mufid, may Allah have mercy on him. [in Arabic]
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah (2013a). *Tahrir al-Wasila* (Volume 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Arabic]
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah (2013b). *Istifta'at* (Volume 9). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Arabic]
- Mousavi Sabzevari, Abdul Ali (1413 A.H.). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram (Volume 24)*. Qom: Sayyid Abdul Ali Sabzevari. [in Arabic]
- Mufid (Sheikh), Muhammad ibn Muhammad (1413 A.H.). *Al-Muqni'ah*, Qom: Global Congress of Sheikh Mufid Millennium, may Allah have mercy on him. [in Arabic]
- Muhaqqiq Karki, Ali ibn Husayn (1414 AH). *Jami' al-Maqasid* (Volume 12). 2nd Edition, Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Naini, Mohammad Hossein (1997). *Fawa'id al-Usul* (Notes by Mohammad Ali Kazemi Khorasani) (Volume 3). Qom: Society of Seminary Teachers. [in Arabic]
- Najafi Esfahani, Muhammad Reza (1413 A.H.). *Wiqayat al-Adhhan*, Qom:

- Ahl al-Bayt Institute for Reviving Heritage. [in Arabic]
- Naraqī, Ahmad ibn Muhammad Mahdi (1415 A.H.). *Mustanad al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a* (Volume 16). Qom: Ahl al-Bayt Institute for Reviving Heritage. [in Arabic]
- Naraqī, Ahmad ibn Muhammad Mahdi (2005). *Tajrid al-Usul*, Qom: Sanaye Ma'refat. [in Arabic]
- Qomi, Abu al-Qasim (1430 A.H.). *Qawanin al-Usul* (Volume 3). Qom: Ihya al-Kutub al-Islamiyya. [in Arabic]
- Ruhani, Sayyid Muhammad Sadiq (n.d.). *Zubdat al-Usul* (Volume 4) .n.p: Hadith Del. [in Arabic]
- Saduq (Sheikh), Muhammad ibn Ali (1415 A.H.). *Al-Muqni'*, Qom: Imam al-Hadi Institute. [in Arabic]
- Saduq (Sheikh), Mohammad ibn Ali (1404 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (Volume 3). Qom: Society of Seminary Teachers [in Arabic]
- Safaei, Hossein and Emami, Asadollah (2023). *A Concise Family Law*. 60th edition, Tehran: Mizan. [in Persian]
- Salihī Mazandarani, Ismail (n.d.). *Miftah al-Usul* (Volume 3). n.p : Al-Salihan Publication. [in Arabic]
- Sarakhsi, Mohammad ibn Ahmad (1406 AH). *Al-Mabsut* (Volume 24). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [in Arabic]
- Sarwar, Ibrahim Husayn (1429 AH). *Al-Mu'jam al-Shamil li al-Mustalahat al-'Ilmiyya wa al-Diniyya* (Volume 1). Beirut: Dar al-Hadi. [in Arabic]
- Sayyid Murtada 'Ilm al-Huda, Ali ibn Hasan (1417 A.H.). *Masa'il al-Nasariyat*, Tehran: Culture and Islamic Relations Association, Directorate of Translation and Publication. [in Arabic]
- Sayyid Murtada, Ali ibn Husayn (1415 A.H.). *Al-Intisar*, Qom: Society of Seminary Teachers, Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Shahid Awwal, Muhammad ibn Makki (1430 A.H.). *Al-Lum'ah al-Dimashqiyya fi Fiqh al-Imamiyya*, Qom: Islamic Media Office of the Seminary. [in Arabic]
- Shobeiri Zanjani, Musa (n.d.). *Kitab Nikah* (Volume 9). Qom: Raipardaz Research Institute. [in Persian]
- Sistani, Sayyid Ali (1415 AH). *Minhaj al-Salihin* (Volume 3). Qom: Books of His Eminence Ayatollah Sayyid Sistani. [in Arabic]
- Sobhani, Ja'far (n.d.). *Taqrir Bahth al-Sayyid Ruhollah al-Khomeini* (Volume 2). Qom: Imam Sadiq Institute. [in Arabic]
- Tabataba'i Yazdi, Sayyid Mohammad Kazem (1409 AH). *Al-Urwa al-Wuthqa* (Volume 2). Beirut: Al-A'lami Institute for Publications. [in Arabic]
- Tabataba'i, Sayyid Ali (1419 AH). *Riyad al-Masa'il fi Bayan Ahkam al-Shar' bi al-Dala'il* (Volume 10). Qom: Islamic Publishing Institute Affiliated with the Society of Seminary Teachers. [in Arabic]
- Tusi (Sheikh), Mohammad ibn Hasan (1365 AH). *Al-Tahdhib al-Ahkam*

- (Volume 7). 4th Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [in Arabic]
- Tusi (Sheikh), Mohammad ibn Hasan (1407 AH). Al-Khilaf (Volume 4). Qom: Society of Seminary Teachers in Qom / Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Tusi (Sheikh), Mohammad ibn Hasan (1417 AH). Al-Udda fi Usul al-Fiqh (edited and compiled by Mohammad Reza Ansari Qomi) (Volume 2). Qom: Tizhoosh. [in Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (1400 A.H.). *Nihayah*, Beirut, 2nd ed., Dar al-Kitab al-‘Arabi. [in Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی